

صیانت از زبان و پیشگیری از آفات آن

احمد سالاریه

انتشارات گسترش رایانه

سرشناسه	: سالاریه، احمد
عنوان و نام پدیدآور	: صیانت از زبان و پیشگیری از افتات آن / احمد سالاریه.
مشخصات نشر	: تهران: گسترش رایانه، ۱۳۹۰، چاپ دوم
مشخصات ظاهری	: ۱۸۱ ص.
شابک	: ۳۰۰۰۰ ریال : ۲-۲۲-۲۹۵۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۹-۱۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	: زبان و اخلاق
موضوع	: زبان و اخلاق -- احادیث
موضوع	: گفتار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ص ۹ س ۲ / BP۲۵۱
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۸۵۶۶۳



انتشارات گسترش رایانه

عنوان:

صیانت از زبان
و پیشگیری از افت آن

مؤلف:

احمد سالاریه

صفحه آرا:

ملیحه بوجار

چاپ اول:

۱۳۹۱

شمارگان:

۲۰۰۰ جلد

قیمت:

۳۰۰۰ تومان

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۷-۲۰۰۰

❖ فهرست مطالب ❖

۱۱		سخن مؤلف
۱۳		مقدمه
۱۶		خوبی‌های زبان
۱۹		مسئولیت زبان

فصل اول

دروغ و گناهان مربوط به آن

۲۳		دروغ و گناهانه مربوط به آن
۲۵		دروغ
۳۵		دروغ‌های مجاز
۳۶		راست‌های دروغ‌نما
۳۶		توریه
۳۸		مبالغه
۳۸		کنایه
۳۸		زبان حال

۳۹	 دروغ بستن به خدا و رسول گرامی اسلام
۴۱	 سوگند دروغ
۴۳	 وفای به عهد کنیم نه وعده دروغ
۴۵	 وفای به وعده
۴۷	 شهادت دروغ
۴۸	 کیفیت عذاب دروغ گر
۵۰	 تکذیب

فصل دوم

غیبت و گناهان مربوط به آن

۵۳	 غیبت و گناهان مربوط به آن
۵۵	 غیبت
۵۹	 وظیفه ما هنگام شنیدن غیبت
۶۰	 انگیزه‌های غیبت
۶۱	 درمان غیبت
۶۳	 کفاره غیبت
۶۴	 غیبت‌های مجاز
۶۷	 سخن چینی
۷۴	 واکنش‌های سخن چینی
۷۵	 کینه‌توزی و آفات آن

فصل سوم

سعايت، تهمت، استهزا و ...

۸۱	 سعايت، تهمت، استهزا و ...
۸۳	 سعايت
۸۵	 بهتان و تهمت

۸۶	افترا
۸۶	بهتان
۸۸	سوءظن
۹۱	افک
۹۳	استهزا و سخریه
۹۵	سبکشمردن و خوار نمودن مؤمن
۹۶	سرزنش کردن و رسوا نمودن مؤمن
۹۸	دشنام و طعن
۱۰۰	هجو و اذیت مؤمن

فصل چهارم

سرزنش، ناسزا و گناهان مربوط به بدزبانی

۱۰۳	سرزنش، ناسزا و گناهان مربوط به بدزبانی
۱۰۵	ناسزا
۱۰۸	شتمات و ملامت
۱۰۹	ملامت
۱۱۰	سرزنش گناهکار
۱۱۲	نفس لوامه یا وجدان اخلاقی
۱۱۳	تعبیر
۱۱۴	توبیخ
۱۱۵	لعن
۱۱۸	تملق
۱۲۱	چاپلوسی
۱۲۱	مدح
۱۲۲	اشعار فرزددق

۱۲۶.....	صتلف (لافزدن)
۱۲۷.....	مزاح
۱۲۹.....	مراء

فصل پنجم

دوزبانی و دورویی و گناهان مربوط به آن

۱۳۳.....	دوزبانی و دورویی و گناهان مربوط به آن
۱۳۵.....	دوزبانی و دورویی
۱۳۷.....	افشای اسرار
۱۴۰.....	اشاعه فحشا
۱۴۳.....	شایعه سازی
۱۴۴.....	زیاده گوئی
۱۴۶.....	پرگوئی
۱۴۸.....	درشت گوئی
۱۵۰.....	بدگوئی
۱۵۱.....	زشت گوئی
۱۵۳.....	نسنجیده گوئی
۱۵۵.....	بیپوده گوئی
۱۵۷.....	منت گذاشتن
۱۵۹.....	نجوی
۱۶۰.....	انتقاد بی جا
۱۶۱.....	دعای بی جا
۱۶۱.....	نفرین بی جا
۱۶۲.....	شکایت از خدا
۱۶۵.....	کتابنامه

مقدمه چاپ دوم:

با توفیقات خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر (عج) و حمد و سپاس به درگاه ذات اقدس ربوبی که انبیاء و ائمه هدی (علیهم السلام) را برای راهنمایی ما انسانها فرستاد تا با بهره گیری از هدایت آنان بشریت نجات یافته و سعادت مند شوند.

اکنون که قریب به دو سال از انتشار کتاب صیانت از زبان و پیشگیری از آفات آن می گذرد، با توجه به استقبال کامهای تشنه به فرمایشات رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) و توصیه دوستان بزرگوار، این کتاب تجدید چاپ می گردد.

جا دارد از همه بزرگوارانی که در ترویج فرهنگ غنی اسلام و سیره اهل بیت (علیهم السلام) سعی و تلاش می نمایند، تقدیر و تشکر نموده و از خداوند سبحان برای آنان توفیق روز افزون طلب نمایم.

ربنا تقبل منا

احمد سالاریه

بهار ۱۳۹۰

سخن مؤلف

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که اهل بیت علیهم السلام را وسیله نجات انسان از گرداب ضلالت به جایگاه والای خویش قرار داد. زیربنای همه برنامه‌های اسلامی بر پایه سه اصل عقاید، اخلاق و اعمال استوار است و این امور در حقیقت فرودگاه احکام الهی و دستورات دینی و آسمانی است.

عقاید، یعنی باورهای درونی و اعمال قلبی که غالباً بر اساس استدلال عقلی و تحقیق مقدماتی حاصل می‌شود. احکام در خصوص این موارد را اصول دین می‌نامند.

اخلاق، عبارت است از صفات روحی و ملکات نفسانی که آراستن نفس به آنها نیازمند مجاهدت و کوشش است و به راحتی نیز زائل و از بین نمی‌رود.

اعمال، عبارت است از حرکات و سکنات که بر حسب اراده انسان عاقل از او سر می‌زند. اگر انسان را ماشین در حال حرکت فرض کنیم، ایمان و کفر را شیه اراده راننده و اخلاق را شیه موتور و اعمال خارجی را شیه حرکت در راه رسیدن به مقصد خواهیم یافت. بدین جهت اخلاق انسانی در پیمودن راه سعادت تأثیری بسزا دارد و توجه به آن برای کسانی که در

جستجوی کمالات معنوی و سعادت هستند، امری لازم و اساسی است. این حقیر با بضاعتی بسیار اندک و ناچیز احادیث و روایاتی را پیرامون زبان و آفات آن در این کتاب همراه با ذکر منابع دسته‌بندی نموده تا مورد استفاده همگان قرار گیرد.

به امید آنکه سروران و عزیزان صاحب‌نظر از انتقادهای و پیشنهادهای خویش حقیر را مسفیض فرمایند و این کوشش مقبول حق قرار گرفته و سعی مشکور به حساب آید.

احمد سالاریه

تهران - پاییز ۱۳۸۸

مقدمه

یکی از راه‌های تهذیب اخلاق، پیشگیری از فساد آن است؛ اما تهذیب و پیشگیری را چگونه و از کجا می‌توان آغاز کرد.

اعضای هر انسانی از نظر جبر و اختیار به دو قسمت تقسیم می‌شوند: مجبور و مختار؛ یعنی بعضی از اعضا خود کارند مثل قلب، کبد، طحال و کلیه‌ها و بعضی دیگر خود کار نیستند؛ بلکه زمام اختیارشان در دست ماست مثل چشم، زبان، دست و پا مثلاً اگر بخواهیم می‌بینیم، می‌گوییم و راه می‌رویم و اگر نخواهیم می‌توانیم هیچ کدام را انجام ندهیم.

همه برنامه‌های اخلاقی مربوط به اعضای اختیاری است؛ و اعضای غیراختیاری هیچ نیازی به فضایل اخلاقی ندارند و هیچ ردیله‌ای نیز متوجه آنها نیست.

با این تعریف، پاکسازی را باید از عضوی شروع کرد که بیشترین ردایل از آنجا ناشی می‌شود.

بسیاری معتقدند که زبان به جهات و دلایلی از اولویت برخوردار است و تهذیب و پاکسازی باید از زبان شروع شود.

زبان از نعمت‌های بزرگ الهی و از الطاف صنع بی‌مثال خداوند است که با وجود کوچکی، طاعت و گناهی بزرگ دارد؛ به‌طوری که کفر و ایمان که هر دو نهایت طاعت و طغیان آدمی است، تنها به گواهی زبان آشکار می‌شود و هیچ موجود و معدومی، خالق و مخلوقی، گمان و یقینی، ظن و وهمی نیست؛ مگر اینکه به گونه‌ای زبان در اثبات یا نفی به حق یا باطل آن دخالت دارد.

این خاصیت در دیگر اعضای انسان یافت نمی‌شود؛ زیرا چشم جز به رنگ‌ها و شکل‌ها، گوش جز به نواها و صداها و دست جز به اجسام به چیز دیگری دسترسی ندارند اما زبان، میدان باز و وسیع‌تری دارد و عرصه گسترده‌ای از خیر و شر در آن نهفته است. هر کس که در مورد زبان و نگهداری آن سستی ورزد، زبان او را به راه‌های هلاکت‌بار و زیان‌آور می‌کشاند؛ چرا که هیچ رنجی در تحریک و به‌کاربردن زبان و هیچ حرجی در آزادگذاشتن آن وجود ندارد. پس لازم است انسان آن را تحت فرمان عقل و شرع مقید سازد.

از آنجا که طبع آدمی به آزادگذاشتن و سست‌نمودن مهار زبان، میل زیادی دارد، شرع مقدس به راهنمایی در مورد بازداری زبان پرداخته تا انسان بتواند از آن رهگذر تعادلی میان آن دو برقرار نماید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ صَمَتَ نَجَى.

آنکس که ساکت شد نجات پیدا کرد.^۱

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِّلْسَانِهِ.^۲

بر عاقل فرض و واجب است که به زمان خویش آگاه باشد و به شأن و ارزش خود روی آورد و زبان خویشتن را نگاه دارد.

از حضرت امام فخر العابدین سید الساجدین علیه السلام روایت است:

«إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَسَرَّكُنَّا، وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ فِينَا وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ: إِنَّمَا نَبْ وَ نُعَاقِبُ بِكَ»^۱

هر بامداد زبان آدمی بر سر تمامی اعضا و جوارح وی آمده، می پرسد چگونه صبح نمودید؟ می گویند: به خوبی؛ اما اگر تو ما را رها کنی، به خاطر خدا ما را به رنج می کشی! آنگاه با وی چنین سخن می گویند: همانا پاداش و عذاب ما به خاطر اعمال توست.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ «يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ رَغِمْتَ أَلَّ الْكَلَامِ مِنْ فِضَّةٍ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ»^۲

ای فرزند، اگر تصور کنی سخن گفتن نقره است، بدان که سکوت طلاست.

داستانی از لقمان حکیم

روزی مولای لقمان از وی خواست گوسفندی را ذبح کند و بهترین عضو را برایش ببرد. او قلب و زبان گوسفند را برای وی برد. روز دیگر از لقمان خواست که گوسفندی را بکشد و بدترین عضو آن را برایش ببرد. لقمان برای بار دوم نیز قلب و زبان گوسفند را برد. مولایش با تعجب از او پرسید که این چگونه است، دیروز بهترین عضو گوسفند را خواستم امروز بدترین عضو آن را؛ ولی هر دو دفعه قلب و زبانش را آوردی؟!

۱. بحار الانوار، جلد ۶۸: ۲۷۸.

۲. الکافی، جلد ۲: ۱۱۴.

لقمان در جواب گفت: وقتی قلب و زبان پاک و سالم باشند، بدن نیز محفوظ خواهد بود، در این صورت قلب و زبان بهترین عضو خواهد بود؛ اما اگر آن دو سالم نباشند بدن نیز از آفات محفوظ نخواهد ماند، در این صورت قلب و زبان بدترین عضو خواهد شد.^۱

خوبی‌های زبان

محصول زبان فقط خطا و لغزش نیست؛ بلکه اگر از منظر مسئولیت‌های زبان به آن توجه شود، شکلاتی نیز به وسیله زبان حل می‌شود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ فِي الْإِنْسَانِ عَشْرُ خِصَالٍ يَظْهَرُهَا لِسَانُهُ.^۲

ای مردم، در انسان ده خصلت است که ظهورش تنها از زبان ممکن است.

۱. شَاهِدٌ يُخْبِرُ عَنِ الضَّمِيرِ.

گواهی است که از درون گزارش دهد.

۲. حَاكِمٌ يَفْصِلُ بَيْنَ الْخِطَابِ.

حاکمی است که میان مردم قضاوت می‌کند.

۳. وَ نَاطِقٌ يُرَدُّ بِهِ الْجَوَابُ.

ناطق که پاسخ می‌دهد.

۴. وَ شَافِعٌ يُدْرِكُ بِهِ الْحَاجَّةُ.

شافعی که حاجت به وسیله آن روا می‌شود.

۵. وَ وَاصِفٌ يُعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءُ.

ستایشگری که هر چیز را معرفی کند.

۶. وَآمِيرُ يَأْمُرُ الْحَسَنَ.

فرماندهی که به کار خوب فرمان دهد.

۷. وَوَاعِظٌ يَنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ.

خیر خواهی که از زشتی باز دارد.

۸. وَبَعِزٌّ تَسْكُنُ بِهِ الْآخِرَانِ.

تسلیت گوی که غم ها بدان آرام شود.

۹. وَحَاضِرٌ يُجَلِّي بِهِ الصَّغَانِ.

وسیلۀ حاضری که کینه ها بدان برطرف می شود.

۱۰. وَمُوقٍ تَلْتَدُّ بِهِ الْأَسَاغِ.

دلربایی که گوش ها از آن لذت می برند.

در هر حال چقدر زیبا و زینته است که انسان قبل از آغاز سخن، لحظه ای بیندیشد سپس سخن بگوید، چنانچه حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بَشَى تَدْبَرَهُ بِقَلْبِهِ ثُمَّ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ^۱

زبان مؤمن پشت سر قلب اوست وقتی که می خواهد چیزی بگوید، فکر می کند، آنگاه با زبان خود آن را امضا می نماید.

امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ، فَرَنْ كَلَامَكَ وَاعْرِضْهُ عَلَى الْعَقْلِ وَالْمَعْرِفَةِ فَإِنْ كَانَ لِلَّهِ وَفَى اللَّهِ فَتَكَلَّمْ بِهِ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَالْسُكُوتُ خَيْرٌ مِنْهُ^۲

آدمی در زیر زبان خویش پنهان است. پس کلام خود را بسنج و آن را با عقل و دانش خود عرضه کن، اگر آن کلام، برای خدا و در راه خدا بود، آن را بگو و اگر غیر از این بود، سکوت از سخن گفتن بهتر است.

روزی از امام سجاد علیه السلام سؤال شد:

عَنِ الْكَلَامِ وَالسُّكُوتِ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ فَقَالَ عليه السلام لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا آفَاتٌ فَأَذَا سَلَامًا مِنَ الْآفَاتِ فَالْكَلَامُ أَفْضَلُ مِنَ السُّكُوتِ، قِيلَ: كَيْفَ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَا بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ بِالسُّكُوتِ، إِنَّمَا بَعَثَهُمْ بِالْكَلَامِ، لَأَسْتَحَقَّتْ الْجَنَّةُ بِالسُّكُوتِ، وَلَا اسْتَوْجِبَتْ وَلَايَةُ اللَّهِ بِالسُّكُوتِ وَلَا تُوقَّتِ النَّارُ بِالسُّكُوتِ، إِنَّمَا ذَلِكَ كُلُّهُ بِالْكَلَامِ مَا كُنْتُ لَأَعْدَلَ الْقَمَرِ بِالشَّمْسِ، إِنَّكَ تَصِفُ فَضْلَ السُّكُوتِ بِالْكَلَامِ وَلَسْتُ تَصِفُ فَضْلَ الْكَلَامِ بِالسُّكُوتِ.^۱

سخن گفتن بهتر است یا سکوت کردن؟ فرمودند برای هریک از آن دو آفاتی است که اگر از آفات در اسان ماندند سخن گفتن برتر از سکوت است. سؤال شد: ای فرزند رسول خدا چگونه این طور می شود؟ فرمودند: برای اینکه خداوند عزوجل، انبیاء و اولیاء را مأمور سکوت کردن در میان قوم ننموده است، آنها مأمور به سخن گفتن (تبلیغ) بودند و نیز کسی با سکوت، شایسته بهشت و مقام دوستی حق نمی گردد و نجات از آتش و خشم خدا هم با سکوت میسر نیست. همه اینها با کلام و سخن گفتن انجام می شود.

سپس فرمودند: در این سخن، نمی خواستم ماه را با خورشید برابر کنم؛ زیرا توفضیلت سکوت را با سخن گفتن توصیف می نمایم؛ ولی برتری کلام را با سکوت نمی توان وصف کرد.

همچنین حضرت علی علیه السلام در روایتی فرمود:

جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: النَّظَرُ وَالسُّكُوتُ وَالْكَلَامُ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ سَكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَهْوٌ.^۲

تمامی خوبی‌ها در سه چیز گرد آمده است نگاه، سکوت و خاموشی و سخن گفتن؛ پس نگاهی که در او عبرت و پند نباشد، آن نگاه سهو و اشتباه است و هر خاموشی و سکونی که در آن اندیشه نباشد، غفلت و بی‌خبری است. سخنم سخنی که در آن ذکر نباشد، لغو و بیهوده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

وَلَا يَغْفِرُ عَنْهُ حَقِيقَةُ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ^۱
بنده، حقیقت ایمان را نمی‌شناسد تا آنکه زبان خویش را نگهدارد.

مسئولیت زبان

حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ^۲

بلاى انسان (گرفتاری) از زبان اوست.

و امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

لِسَانُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ^۳

زبان تو ترجمان و بیانگر عقل تو است.

ایشان همچنین به روایت از پدرش به ابوذر فرمود:

اجْعَلِ الْكَلَامَ كَلِمَتَيْنِ: كَلِمَةً خَيْرٍ تَقُولُهَا وَكَلِمَةً شَرٍّ تَسْكُتُ عَنْهَا وَالثَّالِثَةُ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تَرُدُّهَا^۴

سخنت را دو کلمه قرار ده، کلمه خیری که می‌گویی و کلمه شری که از گفتن آن پرهیز می‌کنی و کلمه سوم که نه زبان دارد و نه فایده، آن را بر مگردان. روایت شده است که حضرت لقمان بر داود علیه السلام وارد شد در حالی که حضرت داود مشغول بافتن زره خود بود، لقمان قبل از آن چنان چیزی ندیده بود و این کار، باعث شگفتی زیاد او شد؛ اما هنگامی که خواست از

چگونگی این امر برسد، حکمت او را مانع گشت؛ لذا از طرح سؤال، خودداری کرد. سرانجام هنگامی که داود بافتن زره را به اتمام رساند، بلند شد و آن را برتن کرد و گفت: آری زره برای جنگ است.^۱

لقمان گفت: سکوت حکمت است و عمل کنندگان به آن نادرند.

او می‌خواست بگوید که بدون هیچ گونه پریشی، مطلب روشن شد و حتی در این موضوع، گفته شده است که او به مدت یکسال نزد داود رفت و آمد داشت و می‌خواست حکمت این موضوع را بداند؛ ولی سؤال نمی‌کرد.

راه علاج این گونه سخن گفتن (گفتگو از مباحات و تضييع عمر) آن است که انسان بداند مرگ در مقابل اوست و او مشغول هر کلمه‌ای است که می‌گوید. نفس‌های وی سرمایه اوست و زبان او وسیله‌ای است که وی را به حورالعین می‌رساند. پس کم بهادادن و ضایع کردن آن زیانبار است.

درمان عملی این امر نیز در آن است که نفس خویش را حتی در آنچه که به وی مربوط می‌شود ملزم به سکوت بنماید تا آنکه زبان وی به ترک چیزهایی که به وی مربوط نیست عادت کند.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَالْجَدَلَ وَ أَنْ كَانَ حَاقِقًا.^۲

بنده به حقیقت کمال ایمان نمی‌رسد تا آنکه نزاع و لجاجت لفظی را حتی در جایی که حق با اوست رها سازد.

همچنین امام صادق علیهما السلام فرمودند:

كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كَفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ.^۳

۱. قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم، ص ۴۷۱.

۲. صحیح البیضا، جلد ۲۰، ص ۲۰۸.

۳. صحیح البیضا، جلد ۲۰، ص ۳۱۰.

برای ما موجب زینت باشید و بر ما مایه تنگ و عیب نباشید، به مردم نیک بگویید و زبان‌هایشان را نگه‌دارید و آنها را از پرگویی و زشت‌گویی بازدارید.

حضرت مسیح علی‌ه السلام فرمودند:

لَا تَكْثُرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ الَّذِينَ يَكْثُرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةُ قُلُوبُهُمْ وَ لَكِنَّ لَا يَعْلَمُونَ^۱

به‌جسز ذکر خدا زیاد سخن نگویند زیرا کسانی که به غیر ذکر خدا زیاد سخن می‌گویند، دل‌هایشان سخت است ولی خود نمی‌دانند.